

منشور حقوق زن و وظایف وی در اسلام

ترتیب دهنده:

د. ابراهیم ناصر

ترجمه:

قریب الله «مطیع»

منشور حقوق زن و وظایف وی در اسلام	عنوان کتاب:
د. ابراهیم ناصر	ترتیب دهنده:
قریب الله «مطبع»	ترجمه:
عقاید کلام - اسلام و زن (دیدگاه، تکالیف و حقوق)	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری	تاریخ انتشار:
	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه مترجم	١
پیشگفتار.....	٥
مقدمه	٧
سراغاز و مقدمات اساسی	١١
اصول و ضوابط شرعی در مورد حقوق و وظایف زن.....	١٩
بینش و نمای این منشور.....	٣٥
سفارش‌ها و درخواست‌ها.....	٥١
١- مسؤولیت امت و جوامع مسلمانان	٥١
مسؤولیت زن مسلمان	٥٥

مقدمه مترجم

شریعت اسلامی به مناسب‌ترین وجه کرامت و عدالت نسبت به زنان را بیان داشته و آنان را از جور و ستم جاهلیت نجات داده است، و عادلانه جنبه‌های مختلف انسانی و جنسی آنان اعم از دختر بودن، همسر بودن، مادر بودن و عضو جامعه بودن را محفوظ نموده است. ما منکر آن نیستیم که در بعضی از جوامع مسلمانان و در زمان‌های مختلف، برخی از مسلمانان به نام دین بر زن ظلم روا داشته و او را از حقوق مسلمش مانند آموزش مسایل دینی محروم، و در انتخاب شریک زندگی مورد رضایت خاطرش آزاد نگذاشته‌اند، لیکن این امور از عدم شعور صحیح دینی سرچشمه گرفته و جنبه عمومی ندارد. و همواره مسلمانانی بوده‌اند که منکر این اوضاع بوده و برای رفع آن تلاش نموده‌اند در حالیکه به همه هویداست که زن در جامعه نقش بسیار اساسی را به عهده دارد. چنانکه شاعر می‌گوید:

الأم مدرسة إذا أعددتها أعددت شعباً طيب الأعراق

«مادر مدرسه‌ای است که اگر آن را مهیا نمایی یک ملت پاک نهاد را ساخته‌ای». لیکن بعد از گشودن دروازه‌های تبادل فرهنگی با کشورهای غربی و شرقی غیر مسلمان، چیزهایی در جامعه اسلامی پدید آمد که قبلاً وجود نداشت مانند: کار کردن زن در کارخانه‌ها و ادارات دولتی، و پیش‌نمودن زنان به مسایل سیاسی، و شرکت در مسایل انتخاباتی و.... زمانیکه مرد و زن به گونه مساوی با هم، بدون مراعات خصوصیت‌های ذاتی هرکدام، پا جا پای یکدیگر بگذارند و اختلاف ذاتی و فطری جنس خود را نادیده بگیرند، مسیر زندگی به اهداف واقعی خویش منتهی نمی‌گردد، چون

دور از عقل و عدالت است که خداوند ﷻ بین دو جنس مختلف که مصالح ذاتی آنها و مصالح جامعه مبنی بر اختلاف و تفاوت بین آنهاست، مساوات قایل شود، پس باید وظایفشان باهم فرق داشته باشد و عقل و عدل غیر این را نمی‌پذیرد.

زن نصف جامعه انسانی را تشکیل می‌دهد بلکه نصف مهمتر جامعه‌اند، پس باید در پرتو قانون الهی افراد جامعه را به کرامت، عدالت و رفع ستم نسبت به زنان فراخواند، تا زنان بتوانند در مسایل آموزشی، تربیتی و شغل‌های متناسب با طبیعت و سرشت و شخصیت اجتماعی و توان جسمی و روحی و تحمل مسؤولیت‌های ویژه خویش، و انتخاب همسر و تشکیل خانواده و کانون زندگی مشترک، منصفانه به حقوق مسلم و متناسب خویش دست یابند، و چنین هم به نظر می‌رسد که مردم در پرتو حوادث و رویدادها خواهی نخواهی به تدریج به حکمت شریعت الهی درباره زن برمی‌گردند، حتی دشمنان نیز اعتراف می‌کنند که، شریعت اسلامی حقوق و احترامی به زنان داده است که به طور مطلق در هیچ یک از شریعت‌های دیگر و قوانین وضعی نیامده است. پس بر زن مسلمان لازم است که وحدت خانواده را رعایت کند و مرد نیز بر مبنای مسؤولیت‌ها و وظائف و تکالیفش در قبال همسرش این وحدت و این انسجام را حفظ کند. و در بیرون از منزل: زن باید حجاب را سخت مراعات نموده و از اختلاط با مردان و خودنمایی و زینت و زیورنمایی حذر نماید که این خود رمز سلامت جامعه از شیوع مسایل جنسی و بی‌بندوباری و بی‌سرو سامانی است که جوامع غربی امروز در آن غرقند، اگر این مسایل در جامعه‌های مسلمانان بطور درست مراعات شود، دل‌ها از آلودگی‌ها و جامعه از گمراهی‌ها و منکرات پاک خواهد شد و عفت و حیا مصون خواهد ماند، زیرا هر اندازه زنان از ابتدال و بی‌بندوباری

و مواضع تهمت دور باشند، قوت و صلابت مردان بیشتر خواهد شد، در غیر آن، این صورت قضیه برعکس خواهد گردید.

به امید ایجاد جامعه نوینی که خالی از هرگونه زشتی و فرومایگی‌های باشد که بنیاد خانواده و جامعه را متزلزل می‌سازد.

قریب الله «مطیع»

qarib@maktoob.com

پیشگفتار

این منشور که با همکاری و کوشش‌های ده‌ها تن از دانشمندان و اندیشمندان اسلامی تهیه و آماده گردیده است، موضع و موقف شریعت اسلامی را در مورد حقوق زن و مسائل مربوط به وی که در عصر حاضر قضیه مهمی در ساحات جوامع اسلامی بطور چشمگیر مطرح بوده و تمدن غرب مفتون آن گردیده، و غبار این فتنه بعضی از جوامع اسلامی و افکار برخی از فرزندان امت مسلمه را هم فرا گرفته است، بیان نموده و در دفاع از زن و حقوق وی، بسیاری از مسائل مربوط بوی را طبق اوضاع پیر آشوب و فتنه انگیز عصر کنونی بطور دقیق بررسی کرده و بشکل مختصر و مستند آماده و تقدیم نموده است.

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين.

این منشور موقف شریعت اسلامی را در مورد زن و حقوق وی در جامعه بیان می‌کند، حقوقی که در عصر حاضر قضیهٔ داغ و مهمی بوده و پیرامون آن بحث و مناقشه در هر گوشه و کنار صورت می‌گیرد، چون غرب‌گرایی با جلوه‌های سراب ماندش در همه کشورهای اسلامی گسترش یافته و می‌خواهند فرزندان این امت را به بیراهه بکشانند، این پیام دلسوزانه بخاطر پند و عبرت به فرزندان امت اسلامی تقدیم می‌شود تا فریب بی‌دینان و اغوا کنندگان را نخورده و روزی به دام آنها نیفتند، و باید بدانند که خداوند عزوجل دستور و قانونی را که برای بشریت وضع نموده موافق و مطابق و شایستهٔ هر زمان و مکان بوده و رحمت و عطف خداوند شامل حال همه است.

سازمان‌ها و گروه‌های بین‌المللی غربی با دیدگاه‌های سکولرستی و مادی‌گرایی منحط و شهوانی شان، با همکاری و همدستی دولت‌های غربی، جهت هدف قرار دادن ارزش‌های والای اخلاقی این امت تصمیم گرفته‌اند، تا بصورت آشکار و شتاب‌زده، دشمنی خود را صراحتاً اعلام بدارند.

حالا که به همه، اسباب عجز و ناتوانی سیاستمداران در مقابل حملات و تجاوزات سیاسی و عسکری دشمن هویدا و قابل درک گردیده است، و در این مراحل حساس که امروز و فردا با آن مواجه هستیم، نباید دانشمندان و اندیشمندان امت اسلامی در برابر حملات فرهنگی و فکری دشمن نیز عاجزانه گوشه‌نشینی را اختیار کرده و واکنشی از خود نشان ندهند زیرا دشمن قبلاً جبهات مستحکمی را در این روند تشکیل داده و جهات معینی

را در داخل امت اسلامی هدف حملات فرهنگی خویش قرار می‌دهند، تا بدین‌وسیله باور و اعتماد فرزندان این امت را به شعائر دین‌شان تضعیف نمایند. شاید هم بتوانند روزی کشوری از کشورهای اسلامی را مورد حمله قرار داده نظام سیاسی آن را از بین ببرند و یا نیروی عسکری آن را از پا در آورده متلاشی سازند، لیکن تا وقتی که مسلمانان اطمینان و اعتمادشان را نسبت به دین مقدس‌شان از دست نداده باشند هرگز دشمن توان این را نخواهد داشت که بر ملت‌های مسلمان مسلط و مسیطر شود.

خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿وَدَّتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ [آل عمران: ۶۹].

«گروهی از اهل کتاب آرزو داشتند کاش می‌شد شما را گمراه کنند (و با القاء شبهه‌هایی در دینتان، شما را از اسلام برگردانند)، ولی (با این کارها) جز خویشتن را گمراه نمی‌سازند و نمی‌فهمند». همچنان ﷻ می‌فرماید: ﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً﴾ [النساء: ۸۹].

«(آنان) دوست می‌دارند که شما کافر شوید همان گونه که خود کافر شده‌اند و (در کفر با ایشان) مساوی شوید».

این حقیقتی است که قرآن آن را ثابت می‌کند و بدین ملحوظ موجب می‌شود تا مصلحان این امت گرد هم آمده با همدستی و همدلی و انفاق نظر توطئه‌های شوم آنها را که در ساحات مختلف بویژه آنچه به زن تعلق می‌گیرد به امت اسلامی افشاء نموده از آن جلوگیری نمایند.

در جمع آوری این وثیقه‌نامه کوشش شده تا با ذکر دلیل بدون شرح مفصل آن بطور مختصر و فشرده به خوانندگان گرامی تقدیم گردد.

این منشور حاوی مطالب ذیل می‌باشد:

- * سر آغاز و مقدمات اساسی.
- * اصول و مقررات شرعی مربوط به حقوق زن و وظایفش.
- * بینش توضیحی و تعلیلی به برخی از این اصول.
- * سفارش‌ها و درخواست‌ها.



سرآغاز و مقدمات اساسی

در مورد حقوق زن و وظایف وی، مبادی و مقدمات اساسی شرعی و واقعی وجود دارد که هرگونه ترکیب و اصول شرعی پیرامون آن را مورد بحث و بررسی قرار داده، خواسته‌ها و مسلمات آن را تعیین می‌نماید، چنانکه راه علاج عوارض و پیش‌آمدهای مترقبه را نیز درمی‌یابد، که مهمترین آن از قرار ذیل است:

۱- اعتقاد قاطع براینکه یگانه مصدر خیر و حق، چه مربوط به امور دنیوی باشد و یا اخروی، همانا وحی الهی با دو اصلش، قرآن کریم و سنت مطهر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، می‌باشد.

و به تعقیب آندو اصل پاک، اجماع ثابت شده و معتبر قرار گرفته و نظر به ارزش و اعتباری که در اسلام دارد در وقت ضرورت به آن رجوع شده و مخالفت با آن جایز نمی‌باشد، زیرا یکی از شروط و زیربنای ایمان بشمار می‌رود، خداوند عَزَّ وَجَلَّ می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

«به پروردگارت سوگند که ایمان نمی‌آورند تا آنکه ترا در آنچه میان‌شان مایه اختلاف است، داور گردانند، آن گاه در آنچه داوری کردی، هیچ دلتنگی در خود نیابند و تسلیم شوند به تسلیم شدنی.»

و از جمله امور معلوم و آشکار در دین، که باید هر مسلمان آن را بداند، یگانه پنداشتن خداوند در آفرینش همه کائنات است، که بنده باید ایمان و یقین کامل داشته باشد که قانون‌گذار و حکم‌فرما، در همه شئون و

عرصه‌های زندگی افراد و جوامع بشری، تنها و تنها الله تبارک و تعالی می‌باشد.

و در مورد یگانه پنداشتن خداوند در عبادت اینست که بندگان باید در تمامی امورشان، الله ﷻ را حاکم و داور خود گردانند، و به جز او کسی دیگری را به داوری بر نگزینند.

۲- بندهٔ مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که شریعت اسلامی در هر زمان و مکان قابل تطبیق بوده و اهلیت و شایستگی آن را دارد، و قوانین و احکام آن، همه نواحی حیات بشری را دربر دارد، و یقین و اعتماد کامل بر همه احکام و قوانین کلی و جزئی دین داشته باشد، و بداند که اسلام دینی متکاملی است که کلیه امور خیر، عدل و مساوات، رحمت و شفقت را فرا گرفته است. خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۹].

«قطعاً این قرآن به آیینی که پایدارتر است راهنمون می‌گرداند و مؤمنان را که کارهای شایسته می‌کنند بشارت می‌دهد که پادشی بزرگی برای‌شان خواهد بود» آنچه سبب اعتماد و اطمینان در این مورد می‌شود، آنست که مصدر این قوانین و مقررات، خداوند عزیز و حکیم است، ذاتی که بر بندگان لطف و شفقت می‌ورزد و با علم گسترده و حکمت کاملش مدبر امور است، خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿أَفْحُكَمَ الْجَهْلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [المائدة: ۵۰].

«آیا خواستار حکم جاهلیت‌اند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی از خدا بهتر است»

لذا درست کردن و اصلاح نمودن هرگونه خللی در هر حالت و در هر رابطه‌ای، لازم است که موافق به معیار شریعت باشد، خواه در درستی یا نادرستی، یا در حق باشد یا در باطل، و نباید این معیارها را دیگران که از نگاه دین و عقیده با ما ارتباطی ندارند و یا هم آن‌ده مسلمانانی که متأثر به ایدیولوژی آنها اند سنجش و تعیین نمایند، خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿وَأَحْذَرُهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ [المائدة: ۴۹].

«و از آنان برحذر باش، مبدا که ترا در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده، به فتنه دراندازند».

۳- به فرزندان امت اسلامی آگاهی داده شود تا از قوانین و مقررات وضع شده توسط بشر که اغلباً بر مبنای مخالفت با نصوص قرآنی و قواعد و اصول دین اسلام استوار بوده و با شعائر و ارزش‌های والای دین مغایرت دارد هرچند احیانا در ظاهر زیبا و پسندیده جلوه نماید و شاید هم در بعضی از جوانب این قوانین گوشه‌ای از حقایق به نظر آید که آنهم بدون شک نتیجه سرشت پاک انسانی بوده که در ابتدای خلقت بر آن آفریده شده و یا اینکه در نتیجه عقلانی بودن بشر چنین جنبه‌ی مثبتی در قوانین وضعی به نظر خواهد بخورد، برحذر باشند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ كَانَتْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۸۲].

«و اگر - قرآن - از جانب غیر خدا می‌بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری

می‌یافتند».

همچنان آگاه ساختن فرزندان این امت بر اینکه مصدر همه تبهکاری و فساد و گزندهای که بشریت چه مسلمان و چه کافر از آن شکایت داشته و رنج می‌برند، همانا مغایرت و تباین قوانین وضع شده و خودساخته آنها با اسلام و دوری ایشان از آیین و ارشادات اسلام که یگانه مرجع اساسی حق بوده، و آرامش و آسایش بشریت در آن نهفته است، می‌باشد، خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾ [الروم: ۴۱].

«فساد در بر و بحر آشکار شد به سبب عملکرد مردم» همچنان او تعالی عز و جل می‌فرماید: ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا ءِالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ [الانبیاء: ۲۲].

«اگر در آن دو - آسمان و زمین - جز خدای یگانه، خدایان دیگری وجود می‌داشت، قطعاً زمین و آسمان هردوتباه می‌شد، پس منزّه است خداوند پروردگار عرش، از آنچه وصف می‌کنند».

۴- مسلمان باید متیقن بوده و ایمان کامل داشته باشد که دین اسلام یگانه دینی عدل است، و لازمه و خواست عدل اینست که میان دو هم‌جنس مساوات برقرار کند، و دوجنس مختلف را وقتیکه امکان مساوات میان‌شان نباشد، از هم جدا کند.

و کسیکه ادعا می‌کند که اسلام دین مساوات بدون قید و شرط است، اشتباه بزرگی را مرتکب شده است، زیرا مساوات مطلق گاهی هم نیاز به عملی نمودن مساوات میان دو چیز متفاوت و مختلف را ایجاب می‌کند، که این در حقیقت ظلمی آشکار است، و کسانی که برداشت‌شان از مساوات، عدل است، آنها معنای درستی را از کلمه مساوات برداشت نموده‌اند ولی در لفظ آن به خطا رفته‌اند، زیرا یک حرف از قرآن کریم هم امر به مساوات

مطلق ننموده است، بلکه امر به عدل نموده است، چنانکه خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ [النحل: ۹۰].

«در حقیقت، الله به عدل و احسان امر می‌کند»

چه بسا احکام و قوانین شریعت اسلامی بر اساس عدل استوار است، و مساوات را در صورتی مراعات می‌نماید که در آن عدل باشد، و همچنان تفاوت در صورتی می‌گذارد که در آن عدل برقرار باشد، خداوند می‌فرماید:

﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [الأنعام: ۱۱۵].

«و سخن پروردگارت به صدق و عدل سرانجام گرفته است، کلمات او را دگرگون کننده‌ای نیست، و او شنوای داناست.»

یعنی صدق در آگاهی، و عدل در احکام. لذا اسلام زندگی و روابط بشریت را بر اساس عدل تا آخرین حد برپا نموده و استوار نگه می‌دارد، پس عدل در هر حالت و با هرکسی و از هر انسانی مطلوب است، خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾ [المائدة: ۸].

«و دشمنی قومی، شما را برترک عدالت وا ندارد، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است.»

۵- در مورد روابط میان بشر، جاهلیت غربی عصر حاضر، به نظریه (فردی) معتقد بوده آن را معیار اساسی قرار داده است، که به طبیعت حال و از روی منطق نتیجه و سرانجام این طرز فکر چنین خواهد شد که، پیروانش تسلیم بر آن گردند که یقیناً علاقه و رابطه

میان انسانها بر اساس کشمکشها و غالب آمدن یکی بر دیگری، و خودخواهی و بخالت، و تنگی بر دیگران بوده و کمک، همکاری، دستگیری، بخشش، ایثار و فداکاری در جوامع آنها راهی نداشته و ندارد. این همه دگرگونی حاصل و ثمره کجروی از جاده حقیقت و از راهی که خداوند عز و جل آنرا برای بشریت وضع نموده است، می باشد. پس کشمکشها و اختلافات میان زن و مرد، و حقوق متعلق به هریکی از آنها، که اجندای کنفرانسها و محافل جهانی را در این وقت و زمان تشکیل می دهد، همه نتایج میراث تاریخ و فرهنگ غرب است که ریشه های دینی - تحریف شده - آن را تقویت کرده و مفکوره عداوت و دشمنی میان زن و مرد را ازلی معرفی می نماید، و زن را سبب و مصدر اساسی همه اشتباهات می خوانند، این میراث تاریخی غرب شاید با بعضی از فرهنگها و آیدیالوژی های دیگر خلط خورده و همسیر گردیده باشد، ولی بدون شک و با تأکید، با شریعت اسلامی و فرهنگ مسلمانان هیچ رابطه و نسبتی نداشته و ندارد. در آیین اسلام زن و مرد این حق را ندارند که حقوق را تعیین نمایند، بلکه یگانه کسیکه حقوق همه را مقرر و تعیین می نماید، خداوند لطیف و داناست، که فرموده است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۹].

«اوست کسی که شما را از نفس واحدی آفریده و همسرش (حوا) را از

وی پدید آورد تا (آدم) بدان آرام گیرد (و انس یابد)».

اما بی عدالتی، جور و ستم، سلب و تلف حقوق در محیط زیست مسلمانان و بخصوص در زندگی بعضی از خانواده ها که به مشاهده می رسد

اسباب و علل مختلفی داشته که در این منشور به دو مورد آن اشاره می‌شود.

اول اینکه، آنها به اصول و مقررات دین مقدس اسلام توجه و متمسک نبوده، قوانین و فرهنگ غربی را سرمشق امور خود قرار داده‌اند.

دوم اینکه، از رسم و رواجهای فرسوده که مخالف شریعت اسلام بوده تقلید و به آن عمل نموده‌اند، که بلاخره منجر به معضله‌های گوناگون شده و در نتیجه از آن صراط مستقیمی که خداوند عزوجل برای سعادت بشر تعیین فرموده منحرف شده به بی‌راهه رفته‌اند و سبب همچو بی‌عدالتی‌ها در مجتمعات ایشان شده است.

۶- جنگ و مبارزه کافران از ابتدای درخشیدن نور اسلام و پایداری آن، علیه مسلمانان آغاز گردیده و استمرار خواهد داشت، خداوند عَلَيْكُمْ می‌فرماید:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا﴾ [البقرة:

۲۱۷].

«و اینان همچنان (مستمرأً) با شما پیکار می‌کنند تا اگر بتوانند شما را از دین تان برگردانند».

و توأم با تسلط کفار بر مسلمانان که گاهی رخ داده است، گروه منافقان نیز میان مسلمانان عرض اندام نموده، و آنچه را که در قلب می‌پرورانیدند، با موضع گیری‌هایشان آشکار ساخته، و کسانی هم پیدا شده که دنبال آنها رفته‌اند، از اینرو باید مبارزه جدی و تصفیه حساب با این گروه فتنه انگیز صورت گیرد، چنانکه خداوند عَلَيْكُمْ می‌فرماید:

﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ

وَبئسَ الْمَصِيرُ﴾ [التحریم: ۹].

«ای پیامبر! علیه کافران و منافقین جهاد کن و بر آنان غلظت کن، و جایگاهشان دوزخ است، و چه بد سرانجامی است!».
و می‌فرماید:

﴿هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ الَّذِي يُؤْفِكُونَ﴾ [المنافقون: ۴].

«آنان خود دشمن‌اند، پس از آنان برحذر باش، خداوند هلاک‌شان کند، چگونه بی‌راهه می‌روند؟!»

چنانکه لازم است مسلمانان، از راه و روش فریبکارانه بسیاری از آنان که نصوص شرعی - آیات و احادیث - را تحریف و تأویل نموده و معانی و الفاظ و یا مفهوم و مقصود آن را، با پیشکش نمودن شبهات باطل و بی‌اساس، برای مردم ارایه می‌دارند، آگاهی داده شوند. همچنان لازم است دنباله‌روان حلقه بگوش این گروه مکار که تحت تاثیر شکست مادی و معنوی، که در عصر حاضر گریبان‌گیر آنان شده، نصیحت و توجیه و راهنمایی شوند، تا همچو مردمان فریب خورده ساده‌لوحی که حس عزتمندی و افتخار به احکام و قوانین این دین عزیز در وجودشان ضعیف شده و زیر تاثیر تبلیغات و شبهات گمراه کننده این گروه منافق رفته‌اند، به خود آمده، و به عزت و اعتلای دین اسلام پی‌ببرند.

اصول و ضوابط شرعی در مورد حقوق و وظایف زن

در تاریخ اسلام و مسلمانان مشکلی بنام (مسایل زن) چه در اوج قدرت و عزت شان، و چه در زمان ضعف و شکست آنان وجود نداشت، ولی هنگامیکه غرب و فرزندان غرب زده شان، امراض و رنجهایی گوناگون را با تبلیغاتشان در جوامع بشری - که کشورهای اسلامی نیز شامل آن می باشد - انتقال دادند، مسایل و پیامدهای بنام (مسأله زن) مطرح گردید که گویی هیچ موضوع مهمتری جز مسأله زن قابل بحث و مناقشه نیست، غربی ها و دنباله روان آنان صداهای بنام آزادی زن را در جامعه مسلمانان بر اساس طرز فکری سیکولرستی غربی بلند نمودند. لذا لازم می بینیم که بعضی از اصول و ضوابط شرعی مربوط به زن را که دین مبین اسلام آن را مقرر و تعیین نموده بیان نماییم:

۱- زن طرفی از دو جنس بشری بشمار می رود، خداوند عز و جل می فرماید:

﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ [النجم: ۴۵] «و اوست که

جفت های نر و ماده را می آفریند».

چنانکه زن پاره و جزوی از یک نفس انسانی است، خداوند عز و جل می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا

زَوْجَهَا﴾ [النساء: ۱].

«ای مردمان! از خشم پروردگارتان بپرهیزید، پروردگاری که شما را از یک

انسان بیافرید و سپس همسرش را از او پدید آورد».

پس زن در اصل و منشأ و سرنوشتش، خواهر مرد بوده، و در راه آبادی و بهبودی جامعه - در اموری که به هرکدامی آنان تعلق می‌گیرد - همراه و هم‌مسیر است، همچنان در مسایل عامهٔ دینی، مانند توحید و اعتقاد، پاداش و کیفر، و بلاخره در همه قوانین و مقرراتی که مربوط به حقوق و وظایف آنها است فرق و تفاوتی میان این دو جنس وجود نداشته و ندارد، خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۷].

«هرکس از مرد یا زن که کار نیک کند و او مؤمن باشد، بی‌گمان به زندگی پاک و پسندیدای زنده‌اش می‌داریم و مسلماً به آنان برحسب نیکوترین آنچه می‌کردند، پاداش می‌دهیم».

و پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ» (نزد ابوداود و ترمذی) «همانا زن‌ها، خواهران مردان اند» از اینرو میزان عزت و کرامت در نزد خداوند عز و جل تقوا و پارسایی است، چنانکه خداوند عز و جل می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۳].

«بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا، متقی‌ترین شماست» و هیچ تعبیر دقیق، بلیغ و رساتری از این لفظ در نخواهیم یافت، هنگامیکه خداوند عز و جل فرمود: ﴿بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ﴾ [آل عمران: ۱۹۵]. «همه از همدیگرید». یعنی: مردان شما در طاعت الله تعالی مانند زنان شما هستند، و زنان شما مانند مردان شما، زیرا هر دو جنس، از نسل آدم و حوا بوده و هر دو جنس مکلف می‌باشند.

همچنان خداوند ﷻ فرموده: ﴿فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ﴾ [آل عمران: ۱۹۵].

«آنگاه پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ کسی از شما را که به کار پرداخته باشد - خواه زن باشد یا مرد - ضایع نخواهم کرد، پاره‌ای از شما از پاره دیگر هستید».

پس هر دو نوع زن و مرد در مفهوم و معنای انسانیت، و در عموم احکام و قوانین دین و میزان عدل الهی باهم برابراند.

و حکمتی را که خداوند آفریدگار ﷻ لازم دانسته اینست که، زن با مرد در آفرینش، هیئت و تکوین برابر نباشند، و همین اختلاف و تفاوت‌های که در نهاد هر دو جنس گذاشته شده، سبب می‌گردد که فرق و تفاوت‌های در توان و نیروی جسمانی و عواطف و خواسته‌ها و اراده‌های آنان نیز ظاهر گردد.

خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَىٰ﴾ [آل عمران: ۳۶]. «پسر مانند دختر نیست».

و در مورد زن می‌فرماید: ﴿أَوْ مَن يَنْشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ [الزخرف: ۱۸]. «آیا کسی را که در زیور پرورده می‌شود و او در [جدل] ناتوان است [به خدا نسبت می‌دهند؟]».

تفاوت و اختلافی که هر کدام، زن و مرد برآن سرشت شده‌اند، سبب شده تا حکمت‌ها و احکامی در مورد طرفین ایجاد شود، این اختلاف که البته نظر به حکمتی که خداوند ﷻ دانا و آگاه آن را بهتر می‌داند، تفاوت‌های را در بعضی از جوانب تشریحی، کار و وظیفه، که با تکوین و خصوصیت‌های دو جنس سازگار است، لازم گردانیده است. خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ۵۴].

«آگاه باشید که تنها او می‌آفریند و تنها او فرمان می‌دهد. بزرگوار و دارای خیرات فراوان، خداوندی است که پروردگار جهانیان است». پس ارادهٔ آفرینش عالم هستی که خداوند ﷻ آنرا مقدر گردانیده، با ارادهٔ دینی و شرعی خداوند ﷻ در اوامر و احکام و تشریحات، هر دو با هم در شأن زن و مرد یکجا شده تا مصالح عامه، و آبادی جهان و تنظیم حیات فردی و اجتماعی بشریت تأمین گردد.

۲- براین حقایق ثابت، احکام شرعی عام مرتب می‌شود تا این حقیقت را ثابت و استوار نگه دارد، مانند احکام متعلق به خانواده، چون خانواده در نظام اسلامی یگانه زیربنا و نهاد جامعه بشمار می‌رود، پس نظر به قوت و همبستگی خانواده، آسودگی، شایستگی، امنیت و آرامش جامعه نیز تأمین می‌شود. نقش خانواده در اسلام بسیار مهم بوده و اهداف و مرام بزرگی همچو آرامش، رحمت و مهربانی و عطف میان افراد جامعه را محقق می‌سازد. خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ [الروم: ۲۱].

«و یکی از نشانه‌های - عظمت - خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت». بویژه نقش زن در قوت و همبستگی خانواده مهم و بنیادی بوده و بروز هرگونه هرج و مرج و بی‌غوری زن در مورد خانواده، انعکاس بدی بر افراد خانواده دارد، پس جامعهٔ سالم با تصمیم قاطع و دوراندیش، در برابر بی‌خردی و نادانی‌های جاهلیت عصر حاضر که از مقام زن کاسته و نقش وی را در خانواده نادیده گرفته و مسؤولیت‌های سنگین

خانوادگی که بدوش دارد آن را بی‌اهمیت جلوه می‌دهند، ایستادگی جدی نمایند چون زن مسلمان واقعا بخاطر مصالح خانواده و جامعه مسئولیت بس بزرگی را متحمل می‌شود.

در مقابل بر مرد لازم است رنج و مشقت کار و بر آورده ساختن نیازمندی‌های خانواده را که شریعت اسلام بر وی واجب گردانیده است متحمل شود. خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ [النساء: ۳۴].

«مردان بر زنان سرپرستی دارند چرا که خداوند برخی از آنان (انسانها) را بر [برخی] دیگر برتری داده است و [نیز] به سبب آنکه [چیزی] از مالهای‌شان را بخشیده‌اند».

همچنان الله عز و جل می‌فرماید: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾ [البقرة: ۲۲۸].

«و برای زنان است - بر عهده مردان - همانند آنچه بر عهده زنان است بطور پسندیده و - لیکن - مردان را بر آنان (زنان) درجه‌ای برتری هست».

بزرگی و حاکم بودن مرد به این معنی است که، وی رهبری و قیادت جامعه کوچک یعنی خانواده را بدوش دارد که وی شرف آن را حاصل نموده و نباید از توانمندی خود سوء استفاده نموده و راه ستم پیش گیرد.

قیادت مرد بر خانواده به مصلحت زن و همه افراد خانواده است، زیرا مسئولیت نفقه و تهیه نمودن خوراک و پوشاک، حفظ و نگهداشت آنها همه و همه بر مرد واجب است، لذا باید از رئیس خانواده اطاعت درست صورت گیرد، البته اطاعت درکارهای نیک و شایسته، و نه اینکه فرمانبرداری مطلق. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «همانا اطاعت در معروف است» (متفق علیه). یعنی

اگر مردی خانواده‌اش را به معصیت و نافرمانی ﷺ امر نماید، پس در چنین حالت اطاعت وی بر اعضای خانواده لازم و واجب نیست.

۳- مرد مکلف است نفقه زن را بدوش گیرد، زیرا نفقه حق مسلم زن، و نصیب فرض شده‌ی وی در مال مرد است، که از وی در حالت قدرت و توان ساقط نمی‌گردد، خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَّا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ [الطلاق: ۷].

«باید که خرج کند توانگر از توانگری خود، و آن کس که بر وی روزی‌اش تنگ شده است پس باید از آنچه که خداوند ﷻ به او بخشیده است خرج کند. خداوند ﷻ هیچکس را جز به آنچه که به او بخشیده است مکلف نمی‌کند به زودی خدا ﷻ پس از تنگدستی آسایشی را پدید خواهد آورد.»

و این نفقه حق ثابت و مسلم زن بوده ربطی به حقوق و اموال شخصی زن که در تصرف وی است ندارد، زیرا زن در اراده و آنچه که تحت تصرفش است آزادی و استقلالیت برابر با مردان دارد، و این حقیقتی است که شریعت پاک اسلام آن را تعیین و مقرر نموده است. جاهلیت عصر حاضر که تا نیمه‌ی دوم قرن بیستم دوام کرد، زن را در گرد آوردن مال و مصرف نمودن آن، کم اهل و ناقص معرفی نموده - چنانکه در قوانین و مقررات لاتینی وجود دارد - اما در نظام و مقررات اسلام، زن در این حوزه شخصیتی مستقلی مانند مرد شمرده شده و از اهلیت کامل برخوردار است، و تفاوتی در این عرصه میان زن و مرد گذاشته نشده است.

۴- رابطه میان زن و مرد در جامعه اسلامی و داخل خانواده، بر اساس تکمیل کننده یکدیگر در نقشهای مربوط به هردو جانب می‌باشد - یا می‌توان تکمیل کننده وظیفوی آن را نامید - و از جمله اهداف و

مقاصد این همبستگی تکمیلی میان زن و مرد اینست که، مرد آرامش و اطمینان خاطر، دوستی و محبت و رحمت را در این رشته دریابد، چنانکه خداوند عز و جل می فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةَ رَحْمَةٍ﴾ [الروم: ۲۱].

«و از آیات - عظمت - او تعالی این است که از خودتان برایتان همسرانی آفریده تا بدان‌ها آرام گیرید و در میان شما مودت و رحمت نهاد.»

لفظ سکون کلمه‌ای است که هیچ تعبیری رسا و بلیغی در زبان عربی مانند آن وجود ندارد، و شاید در زبانهای دیگر نیز همچو معانی که این کلمه در بر دارد، وجود نداشته باشد، کلمه سکون چند معنایی را در بر دارد مانند: امن، راحت، اطمینان، آرامش، انس و محبت که وجود همچو صفات تأثیر و انعکاس مثبت بر خود همسران و فرزندان شان، و بلاخره بر همه افراد جامعه دارد. پس هنگامیکه فرق و تفاوت در صفات بدنی و نیروی جسمانی و روانی هر دو جنس وجود داشته باشد، بدیهی است که در وظایف زندگی اجتماعی نیز تفاوت‌های ایجاد خواهد شد، از این‌رو متمم بودن دو جنس در وظایف و مسئولیت‌ها و حقوق، ثمره و حاصل عدل و انصافی است که آیین اسلام همچو روابط و علایق را استوار و پایدار نگهداشته است.

بنابراین شریعت اسلامی حوزه کار و عمل مرد و نوعیت آن را در زندگی اجتماعی مقرر و تعیین نموده است، چنانکه میدان کار و عمل اساسی زن و نوعیت آن را نیز نشانه‌گذاری و محدد ساخته است. این مقررات و محدودسازی‌های وظایف زن و مرد را عقل سلیم و سرشت و فطرت راست و مستقیم پذیرفته و می‌پذیرد، بلکه با آن سازگار و هم‌آهنگ می‌شود، و سرانجام موجب تکامل، توازن، امن و آرامش اجتماع شده بدون اینکه یک

جهت سنگینی مسئولیت را بیشتر از حد و توان جسمی اش، و آنچه که رسم و عادات بر آن معمول است، بردارد.

لذا تحمیل نمودن وظایف و مسئولیت‌های مرد بر زن، بدون نیاز شخصی زن و یا جامعه، ظلم و جور محسوب می‌شود، زیرا اینکار نه تنها تجاوز بر عدل و دادی که در مورد حقوق و واجبات آنها تعیین و مقرر شده می‌باشد، بلکه تعرض و بی‌احترامی بر کرامت و حقوق زن تلقی می‌شود.

۵- حالا که محدودهٔ وظیفهٔ زن در زندگی اجتماعی مشخص شد، سخن حتماً متوجه تعلیم زن می‌شود، از این‌رو ما تأکید بر آن داریم که تعلیم زن در امریکه بنده جز بوسیله آن پروردگارش را پرستش نمی‌تواند، مانند فرایض مربوط به ایمان و یا فرایض عبادات و غیره واجب شرعی است که زن و مرد در این مورد با هم برابر و مشترک‌اند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«آموختن علم و دانش بر هر مسلمانی واجب است» (روایت ابن ماجه).

پس تحصیل و آموختن علوم و معارف، نظر به وظیفه و مسؤولیت هریکی (زن و مرد) بر آنها لازمی و واجب می‌گردد، اما آموختن علوم و معارف بیشتر از آنچه ذکر شد، از جمله امور مستحبی است که نباید بر دیگر واجبات ضروری متعلق به امور دنیوی و اخروی تنگی و فشار آورد.

۶- شریعت اسلامی که حمایت‌کنندهٔ سرشت انسانی بوده و بر عدل استوار است، حامی و نگهبان حقوق زن در جامعه می‌باشد، و نسبت به قوانین و مقررات تصویب شده از جانب سازمان ملل متحد مربوط به حقوق انسان، اهمیت فراوانی به حقوق زن قایل است. در حالیکه جاهلیت عصر حاضر این حقوق را نادیده گرفته و اگر بی‌حرمتی و تجاوزی بر آن صورت گیرد، توجه و التفاتی به آن نمی‌کند.

بطور مثال: حق زن در ازدواج مطابق احکام و قوانین شریعت اسلامی، و حق وی در مادر بودن، و حق وی در مورد اینکه خانه داشته و مسؤلیت آن را بدوش گرفته بتواند و مانند زمامدار کشوری کوچکی سرپرستی امور به او تعلق بگیرد، و موقع و فرصت کامل بوی داده شود تا وظایفی که موافق با سرستش است آن را بصورت درست اجرا نماید.

لذا هر جامعه و هرگونه قانونی که مانع ازدواج زن گردد، و مجال و ساحه را بر وی تنگ نماید، در حقیقت حقوقش را پایمال نموده و ظلمی بزرگی را بر وی روا داشته است.

زن در شریعت اسلامی حق دارد تا همسر و همسفر زندگی خویش را در محدوده فرموده پیامبر ﷺ برگزیند، چنانکه آنحضرت ﷺ فرموده‌اند: «هرگاه کسی از دختر شما خواستگاری نماید و شما از اخلاق و دین پسر راضی باشید، پس وی را نامزدش سازید» (روایت ابن ماجه).

زن می‌تواند - در حالت عدم پایداری زندگی زنا شوهری - از ادامه زندگی با شوهر کنار رفته، و عقد را فسخ نماید، و در این مسأله دلایل و نصوص صحیحی وارد است که آن را تأیید می‌کند، پس لازم است در هنگام اختلاف و یا اجتهاد در احکام، به آن مراجعه شود.

۷- نگهداری عفت و آبرو یک اصل شرعی عام بوده و شامل مقاصد شرعی می‌باشد، مقاصد شرعی عبارتند از: حفظ دین، نفس، آبرو، عقل، و مال که علماء بر حرمت و حیثیت آن اتفاق نظر داشته‌اند و تمامی احکام و مقررات شرعی بر مبنای آن اتخاذ می‌گردد، پس هرگونه عیب‌جویی در آن مردود شمرده شده و در حقیقت تخطی و تجاوز بر شریعت اسلامی و اهداف والای آن، و جامعه اسلامی محسوب می‌شود. و هرگاه غرب در مسئله مربوط به حقوق زن در اسلام انگشت انتقاد را متوجه سازد، در حقیقت از خط قرمز عبور

کرده و این حق مسلم زن مسلمان را پایمال کرده‌اند، و در مجموع این عملکرد آنها تعرض به شریعت و مجتمع اسلامی شمرده می‌شود، و اگر جلو آنان گرفته نشود سبب نشر و شیوع فواحش و رذائل همانطوریکه در میان خودشان بوقوع پیوسته، خدا نا خواسته در میان مسلمانان نیز سرایت می‌کند.

خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النور: ۱۹].

«به راستی کسانی که دوست دارند، فاحشه در میان کسانی که ایمان آورده‌اند، شایع شود برایشان عذابی دردناک در دنیا و آخرت است، و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید».

لذا قانون‌گذار حکیم و دانا ﷻ احکامی را بخاطر حفظ و حمایت این مبدأ وضع نموده، از جمله ازدواج میان مرد با زن را قانون گذاشته، و این رشته زنا شوهری را پیمان قوی نامیده است، چنانکه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَأَحْذَرْنَ مِنْكُمْ مَيْثَقًا غَلِيظًا﴾ [النساء: ۲۱].

«زنان پیمان محکمی [هنگام ازدواج] از شما گرفته‌اند». و بخاطر مصئون بودن این مبدأ از بی‌حرمتی و تجاوز، قوانین و مقرراتی وقایویی را وضع نموده که بالای مرد و زن یکسان تطبیق می‌شود و باید جدی آن را مدنظر بگیرند. و راه‌های منتهی به اعمال زشت و ناهنجار را کاملاً مسدود کرده است. بطور مثال اختلاط زنان با مردان نامحرم و یا خلوت با نا محرمان، خصوصاً سخن گفتن زن با مرد نامحرم به نرمی و ملایمت، چنانکه زنان فتنه‌گر همچو اعمالی را انجام می‌دهند، و غیره اموریکه عواقب زشت و

خلاف اخلاق و تربیه اسلامی دارد، ممنوع قرار داده و آن را ناروا شمرده و مرتکبین آن را موجب عذاب گردانیده است.

همچنان شریعت اسلامی در مورد شیوع و انتشار فواحش در مجتمع اسلامی، بر کسانی که خواهان و آرزومند همچو اعمال زشت هستند، نیز با تندی و شدت رفتار نموده است. به همین منظور احکام مربوط به حجاب و عدم نگرستن بسوی نامحرم را دستور داده و بر تجاوزکاران این مبدأ، عقوبت‌های مانند حد زنا، و حد قذف (تهمت)، و تعزیرهای مختلفی را بخاطر حفاظت و حراست آبرو، و محترم شمردن پاکی و عفت افراد جامعه وضع نموده است.

خداوند ﷻ زنا را بر هر دو جنس - زن و مرد - حرام قرار داده و آن را از امور زشت و قبیح پنداشته است، خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ كَانَ فَلْحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۳۲].

«و به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است»

۸- حجاب سنگر و قلعهٔ مستحکمی است که از عفت و آبروی زن حفاظت نموده و مانع پخش فواحش و رذالت می‌گردد، چنانکه حجاب مظهر و نمای افتخار به آداب شرعی بوده، پاکی و عفت مرد، زن و جامعه را واری و تحقق می‌بخشد. حجاب زن مستحب نبوده و تنها رمز و نشان، مربوط بوی نیست که هرگاهی بخواهد پیکرش را با آن بآراید، و هر وقتیکه خواسته باشد آن را ترک نماید، بلکه حجاب واجب دینی است که خداوند تعالی ﷻ آنرا بر زنان لازم گردانیده، تا از هرگونه زشتی مصئون بمانند، و عفت و پاکی خویش را همچو مادران مؤمنان - همسران پیامبر بزرگ اسلام ﷺ - اعلان نمایند، تا شهوت رانان به آنان طمع نوزند، چنانکه خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٩﴾﴾
[الأحزاب: ٥٩].

«ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که: روپوش‌های خود را جمع و جور بر خویش فرو افکنند. تا این که - از زنان بی‌بندو بار - دست کم باز شناخته شوند، [و در نتیجه] مورد اذیت و آزار (اوباش‌ها) قرار نگیرند، خداوند آمرزنده و مهربان بوده و هست.»

دشمنان اسلام توطئه و جنگ علیه حجاب را بصورت آشکار آغاز نموده و در این مبارزه شهوت پرستان مسلمان‌نما و مردمان فساد پیشه، همگام با آنان علیه مقدسات دینی برخاسته‌اند، و شاید هم گاهی مفکوره و نظریه پلید خویش را راجع به حجاب پنهان نموده و در ظاهر آن را بپذیرند، لیکن با مسخ نمودن حقیقت حجاب و دگرگون ساختن و جهت دادن آن بسوی فرهنگ و عنعنۀ قلابی، که پذیرش هرگونه تکامل و اختصار را دارد، اهداف شوم خویش را پیاده نموده، غایت و مرام آن را کاملاً ریشه کن و از میان می‌بردارند. و هرگاه اهمیت و ارزش حجاب و بهای مربوط به آن را درک نماییم، شک و شبهه ای را که دشمنان ایجاد کرده‌اند همه زائل شده به دسائیس آنها اطلاع پیدا می‌توانیم، و برای ما آشکار می‌شود که غرب شب و روز در توطئه چینی و جنگ علیه حجاب بوده و عداوت قدیمی که با دین اسلام دارند می‌خواهند انتقام را تا جایی از این راه و بدین وسیله از مسلمانان بگیرند. امروز غرب در مقابل حجاب از خود حساسیت نشان داده و زنان پابند به حجاب را زیر فشار قرار می‌دهد زیرا بر آنان سنگینی می‌کند که زن مسلمان مستور و با عفت، و زنان خود را مثل حیوان دریابند، حال آنکه هیچ لباسی مربوط به طایفه‌های دینی دیگر، یا سایر نژادهای بشری

مورد فشار قرار نمی‌گیرد طوریکه زنان با حجاب مسلمان زیر فشاراند! البته شواهد و اسناد بسیاری وجود دارد که زنان باحجاب در کشورهای غربی که ادعای دفاع و حمایت از حقوق شخصی را دارند، و یا در بعضی از کشورهای اسلامی و عربی که قوانین آنها مبتنی برسیکولرزم است، چگونه تحت فشار و مزاحمت‌های قانونی و عملی گوناگونی قرار دارند، و کسانی که اوضاع جهان را تعقیب و پیگیری می‌نمایند، در این مورد بهتر آگاهی دارند.

۹- پس زمانیکه حجاب قانونی استوار و متین، و فریضه ثابت و مسلم بخاطر حفظ کرامت زن و مجتمع اسلامی است، بخاطر نگهداشت مبدأ عفت، قانونی دیگری نیز مربوط به آن وضع گردیده و آن را تقویت بیشتر بخشیده است که عبارت است از مباح بودن تعدد یا چندزنی مرد، که متأسفانه بوسیله رسانه‌های اطلاعاتی دشمن، و از لابلاي عملکردهای نادرست بعضی‌ها، صورت حقیقی آن را زشت جلوه داده‌اند. با وجود آنکه واقعیت عملی این قانون - حتی در جوامع غیر اسلامی نیز در بلند بردن مقام و منزلت و ارزش زن کمک به سزایی نموده است. بخاطر توضیح بیشتر در این مسأله می‌توان مقایسه کرد میان جوامعی که قانون تعدد در آن حکمفرماست که چگونه زن از منزلت و قیمت بزرگی برخوردار شده است، و در مقابل جوامعی که زن را از این حق محروم گردانیده‌اند، چگونه کم ارزش و مسلوب الاراده شده و حق شخصی ایشان تلف شده است. پس تعدد - چندزنی - قانونیست ثابت و استوار، مشروط براینکه میان همسران عدالت صورت گیرد، تا عزت و کرامت زن تحقق یافته و ازدواج وی به شکل آسان، و با کرامت و عفت صورت گیرد، و زندگی مرفه و سعادت‌مند نصیبش گردد. البته صرف نظر ازحالاتی که در آینده شاید واقع شود مانند بیوه‌گی، طلاق و

بزرگسالی که آنهم مسائلی علیحده است، اما در مقابل حالات اجتماعی زیادی است که راه حل آن جز با تعدد یا چند زنی امکان پذیر نیست، مانند عقیم بودن زن، یا مریضی، و یا طبیعت و چگونگی کار و پیشه وی، و یا وضعیت قانونی مانند تابعیت وی، و حالات دیگری که در همه حالات فوق بدیلی برای تعدد، جز طلاق وجود ندارد، یعنی باید همسر را طلاق نماید تا بتواند با دوشیزه دیگری ازدواج کند و طبیعی است همسر طلاق شده در وضع بحرانی قرار گرفته و شاید هم بی‌سرنوشت شده و باردوش جامعه گردد، اما اگر در موجودیت همسر اولی با زنی دیگری ازدواج کند، و عدالت را میان آنان برقرار سازد، همه خانواده سعادت‌مند خواهند شد. ولی در مجتمعاتی که تعدد زوجات ممنوع است در حالات فوق الذکر (عقیم بودن، مریضی دوامدار...) همسر مجبور می‌شود به طلاق متوسل شود تا بتواند با دیگری ازدواج کند که این اقدام از یکسو ظلمی است که بر زن واقع می‌شود و از سوی دیگر به شوهر هم صدمه روحی وارد می‌گردد، درحالیکه هر دو راحت و سکون و آرامش برای یکدیگر بوده‌اند، علاوه بر این چندزنی در بسیاری از احیان سبب حفظ کرامت کودکان می‌گردد، بویژه یتیمان و آن‌عهده کودکانیکه پدران خود را از دست داده و از مهر و محبت پدر محروم گردیده، آوارگی و یا داخل شدن به دارالایتام‌ها سرنوشت آینده آنان را مجهول ساخته است پدر بدیل و مناسب‌ترین حل برای همچو حالات خواهد بود، خداوند عز و جل می‌فرماید: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِسُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثَلًا ۖ وَتِلْكَ وَرُبِعٌ فَإِنْ

خَفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِشَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ﴿۳﴾ [النساء: ۳].

«و اگر ترسیدید که در بارهٔ یتیمان نتوانید عدالت و دادگری کنید، پس با زنان دیگری که - برای شما حلالند - و دوست دارید، با دو یا سه یا چهارتا ازدواج کنید، اگر می‌ترسید که نتوانید میان زنان عدالت را مراعت کنید، به یک زن اکتفا کنید یا با کنیزان خود ازدواج نمایید، این نزدیکتر به آن است که ستم نکنید.»

پس اسلام یگانه مرجعی است که به مصالح همه اعم از مردان و زنان رسیدگی نموده و اهداف و مقاصد ازدواج برای طرفین را محقق می‌سازد، و هرگونه نیازمندی‌های روانی و اجتماعی آنان، اعم از عفت، آرامش فرزند را متوفر می‌سازد، هرچند اگر گاهی به رغبت‌های بی‌موقع و یا مصلحت‌های محدود و باریک متعلق به زن شوهردار - بیوه - تعارضی هم ایجاد گردد.

بینش و نمای این منشور

۱- دین اسلام بعد از آنکه مساوات میان مرد و زن را در دایره انسانیت و کرامت بشری، و حقوقی که ارتباط مستقیم به سرشت و طبیعت مشترک بشری می‌گیرد، تضمین نموده مساوی بودن آنها را هم در عموم قوانین و مقررات دینی تأیید نموده و پذیرفته است، و در عین حال میان آنها در بعضی از حقوق و وظایف فرق می‌گذارد، البته این تفاوت و فرق‌گذاری نظر به اختلافات فطری که بطور قطعی و محقق میان زن و مرد موجود است در نظر گرفته شده است، زیرا در وظایف، اهداف و سرشت هر دو جنس که بر آن آفریده شده‌اند، اختلافات و تفاوت‌های وجود دارد که باید هر کدام (مرد و زن) وظیفهٔ بنیادی خویش را براساس آن با شکل درست انجام دهند، از اینجاست که فریاد و غوغاهایی از جانب کنفرانس‌های ویژه‌ی زن، و کارگردانان و پیش‌آهنگان آنان برپا شده، و نهضت‌های جهانی منسوب به زن، و دنباله روان و ترویج دهندگان این اندیشهٔ ناپاک، در کشورهای اسلامی نیز صداهایی را بنام مساوات و برابری میان مرد و زن بلند نموده‌اند. آری: مساوات از نگاه انسانیت و خواسته‌های آن امر طبیعی و تقاضای عادلانه است، زیرا زن و مرد دو جهت جدا ناشدنی نسل بشر بوده، و اسلام نیز بر آن اعتقاد و اعتراف دارد، و هیچ‌گونه پوشیدگی در این امر وجود ندارد. اما مساوات و برابری در وظایف زندگی و روش‌های آن چگونه قابل تنفیذ و اجرا خواهد بود؟ آیا این کنفرانس‌ها و نهضت‌های مربوط به زن، و وابستگان و هواخواهان این اندیشه، توان آن را دارند تا با همچو کنفرانس‌ها و

گردهم آبی‌هایشان سرشت و طبایع اشیاء را دگرگون سازند؟ و یا می‌توانند فطرت بشری زن را تغییر دهند؟! امتیاز بزرگی که اسلام بر سایر مکتب‌های فکری دارد اینست که آیین و نظام آن واقعی بوده و در مورد زن و مرد بصورت واقع‌بینانه و با درک نمودن فطرت بشری هر دو جنس، حکم و فرمان صادر نموده است، و زمانی که مساوات میان زن و مرد منطقی و موافق با فطرت و سرشت‌شان باشد، مساوات را می‌پذیرد، و هرگاهی تفاوت و فرق گذاشتن میان آنان منطقی و موافق با فطرت‌شان باشد. تفاوت را معتبر و معقول می‌داند. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [المک: ۱۴]. «آیا کسی که آفریده است نمی‌داند؟ با این که او خود لطیف و خبیر است».

بدون تردید هر اندیشه و نهضتی که مخالف با روش‌های اجتماعی و سرشت بشری پایه‌گذاری گردد، سر نوشت آن به ناکامی حتمی و تباهی می‌انجامد، و این یگانه سبب ناکامی نهضت و حرکاتی که خواهان آزادی و رهایی زن اند - حتی در کشورهای غربی - و آرزومند محقق شدن آن اند، می‌باشد، لذا بر جوامع مسلمانان لازم است با عقل و حکمت، از سرنوشت بد و ناهنجاری که جوامع غربی دچار آند، درس عبرت گرفته و به حقایق مسلم برگردند، و به عدل و انصاف فرامین و دساتیر والا و صایب دین اسلام در مورد زن پی ببرند و گردن تسلیمی را خم نمایند.

۲- شریعت اسلامی فرق‌گذاری ظالمانه‌ای که حقوق زن را پایمال نموده و به کرامت وی خدشه وارد می‌نماید حرام قرار داده است. در نظام و قوانین و احکام اسلامی هیچ‌گونه غفلت و بی‌غوری در عدالت میان زن و مرد و یا تفوق و طرفداری مرد بر زن وجود ندارد. و

نظریات برخی از مردمان شکست خورده، و یا جاهلان و بی‌خردانی که از شریعت مطهر اسلامی، و از حکمت این تفاوت‌ها و فروق فطری میان زن و مرد آگاهی نداشته و آن را درک نتوانسته‌اند، مورد اعتبار نیست، همچنان کسانی که از اختلاف در احکام شرعی متعلق به زن، و وظایف و حقوق مسلمی که نظر به سرشت و خلقت آنان وضع شده است آگاه نیستند، نظریات آنها نیز مدار اعتبار نبوده و نیست، و هرگونه دعوایی که مغایر با آنچه باشد که برای زن در شریعت اسلامی محدود و تعیین شده باشد - هر چند این دعوا از جانب دشمن مغرض و یا دوست جاهل - دامن زده شود، همه و همه بر تصویرهای خیالی، و یا عدم آگاهی آنان، و یا بر دلایلی باطل بنا نهاده شده است، و مردود شمرده می‌شود. چنانکه گفته شده - بطور مثال - برای زن در مسألة میراث، برای مرد دو برابر زن حصه داده می‌شود یعنی در حالاتیکه زن در قرابت با مرد قرار داشته می‌باشد نصف حصه به او می‌رسد نه کامل، پس این نمونه‌ای از تهجر و فرق گذاری است که بر زن وضع شده است. در جواب می‌گوییم: این برداشت، از مفهوم مساوات و برابری زن و مرد که اسلام برای‌شان عنایت فرموده، دور از مفهوم عدلی است که اسلام بر اساس آن روابط انسانی را پایه گذاری نموده است، باید متوجه شوند که حقوق نظر به وظایف و مسئولیت‌ها تعیین و مقرر گردد. پس زمانیکه اسلام نفقه زن و پرداخت مهر و دیت و تاوان و نحو آن را بر مرد ملزم گردانیده، از روی عدل و انصاف شریعت در مسألة میراث حق مرد را مراعات نموده است، پس هرکسی جامع بودن احکام شریعت اسلام را نادیده بگیرد، در همچو لغزش و اشتباه می‌افتد. همچنان گفته شده - شمردن شهادت دو زن در مقابل یک مرد (شهادت دادن دو

زن برابر است به شهادت دادن یک مرد) که این نمای از فرق گذاری میان مرد و زن است. در جواب می‌گوییم: این ادعا دلیل بر بی‌خبری و عدم آگاهی از طبیعت و سرشت زن است که خداوند ﷻ با حکمتی بزرگی با همچو صفاتی وی را آفریده است و از طبیعت و سرشت زن آنست که شاید در درک حقایق امور، فراموشی و نارسایی صورت گیرد، پس بخاطر حفظ و حمایت حقوق، وجود زنی دیگری در گواهی دادن با وی لازم و ضروریست، خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى﴾ [البقرة: ۲۸۲].

«اگر یکی از آنها فراموش کرد، آن دیگری به یادش آورد». و این را هم باید دانست که گواهی یک زن در مسایل مربوط به خود آنان، مانند رضاعت (مکیدن کودک از غیر مادرش) و اثبات بکارت دختران (دختر شوهر نکرده) و عیوب و علت‌های داخلی و مستور زن و غیره..... قابل اعتبار است. و مثال دیگری که شاید گمان و تصور آن در بعضی اذهان ایجاد گردد که گویا میان زن و مرد در مسألة دیت تفاوت گذاشته است، یعنی دیت زن (خون‌بها یا تاوان) نیم دیت مرد است، در جواب می‌گوییم: این تصور نادرست زمانی دفع می‌گردد که دانسته شود بهره و سود دیت را خود مرده - مرد باشد یا زن - نه، بلکه ورثهٔ آنان حاصل می‌نماید و ضرر مادّی که با از دست دادن سرپرست و مسئول نفقه، بر ورثه وارد می‌گردد - که غالباً مرد می‌باشد - هیچگاهی ضرر آن برابر با مردن شخصی دیگری نیست که نه سرپرست و نه مسئول نفقه آنان. و اما در بقیه قوانین تلافی و تاوان، به شخص متضرر برابر با ضرر وی تعویض داده می‌شود.

این سخن زمانی تحقق می‌یابد و برجا خواهد بود که صاحب حق در گرفتن تاوان و غرامت جزوی، خود شخص مصیبت رسیده باشد - زن باشد

یا مرد - به عبارت دیگر، دیتی که در بدل از بین رفتن عضوی از اعضای شخص، و زنده ماندن خودش پرداخته می‌شود، در همچو حالت حکم پرداخت دیت میان زن و مرد مساوی بوده و مقدار آن نظر به اجتهاد فقها تعیین می‌گردد.

پس امیدواریم مثال‌های بالا حکمت‌های را که در وجود تفاوت و فرق‌گذاری میان زن و مرد است آشکار ساخته باشد - و این خود برجسته‌ترین جواب و مثالی برای آن‌عده مردمانی باشد که گفته‌اند: این نمای فرق‌گذاری است که علیه زن وضع شده است - چنانکه همچو مثالها بیانگر عدل مطلق در تفاوت‌گذاری بعضی از احکام و قوانین میان مرد و زن را ظاهر ساخته، و موافق و مناسب بودن آن را با خلقت دقیق این دو جنس بیان نموده، و هم‌آهنگی آن را با اصول و قواعد شرعی ثابت می‌سازد.

۱- زن با داشتن جسد، فکر، عاطفه و وجدان خاصی که بر آن آفریده شده است، آماده بر اجرای وظایفی اساسی معینی می‌باشد که عبارت از مادر شدن وی است، و اگر این وظیفه را انجام ندهد، در حقیقت طاقت و نشاطی که بمنظور هدف معینی آماده و مهیا شده، بی‌هوده از دست خواهد رفت، و وی را از راه اصیلی که بر آن سرشت شده منحرف می‌سازد، آری! اگر ضرورت یا نیازی شخصی یا اجتماعی برای کارکردن زن خارج از منزل رونما گردید، اعتراضی وجود ندارد، اما وادار کردن زن بدون ضرورتی، و تنها بخاطر شهوترانی احمقانه‌ای که برخی از مردمان این عصر به سبب اوضاع تاریخی و فرهنگی به آن مبتلا گردیده، و یا اینکه می‌خواهند بیش از حد از همچو وضع لذت برده و بهره‌مند گردند، پس منتظر طوفانی برباد کننده باشند. این امریست که هرگز از آیین اسلام انتظار قبول آن نمی‌رود، و اگر روزی اسلام همچو مسایل بیهوده را بپذیرد بدون

تردید از مزیت بزرگ خویش دست کشیده است، و این مزیت و برتری همانا حمایت و پشتیبانی از دوجنس بشری - مرد و زن - بوده که تکمیل کننده یکدیگراند، و بطور کلی، بشریت عبارت از وجود و هستی و نژاد و نسل و توده‌های وابسته بهم اند.

زن نمی‌تواند در عین زمان مادر، و نوکر کسی دیگر باشد، و دو وظیفه را با تمام خواسته‌ها و مطالب آن انجام دهد، اما در مورد ادعای بی‌موردی که گفته‌اند: پرورش دهندگان و تربیت کنندگان کودکان (خدمه) این مشکل را حل می‌نمایند، سخنیست بیهوده که عملی نمودن آن کار ساده نبوده و هنگام آزمون آن را ثابت کرده نمی‌توانند، چنانکه انجام دو وظیفه برای زن مانع برآورده شدن مفهوم فرموده خداوند تعالی: ﴿لَيْسَ كُنَّ إِلَيْهَا﴾. «تا بدان آرام گیرد» که از بزرگترین اهداف ازدواج و زنا شوهری و ایجاد خانواده می‌باشد، می‌گردد. پس در تولیدات مادی برای بشریت چه سودی خواهد بود - اگر امکان پذیر باشد - در حالیکه از جانب دیگر، حاصل و فرآورد بشری را در تلف و هلاکت مواجه می‌سازد؟! اسلام دینی است که سرشت بشری و نیازمندی‌های جامعه را همزمان باهم رعایت نموده و زن را به مسئولیت بنیادی و بزرگی که بدوش دارد متوجه می‌سازد، این مسئولیت نه تنها وظیفه‌ی اساسی او، بلکه عبادتی است که بخاطر آن آفریده شده، و بخاطر انجام این وظیفه بزرگ خداوند آنان را از برجستگی و هوش فوق العاده‌ای برخوردار نموده است. به همین منظور مرد را بخاطر آماده نمودن نیازمندی‌های منزل متکفل ساخته است که هرگز از انجام آن رهایی و خلاصی ندارد این بر آن است تا زن بتواند با فکر آرام و بدون هیچ‌گونه پریشانی و نگرانی در پیشبرد امور منزل فارغ البال گردیده و با تمامی قوت و طاقت، متوجه رعایت تولید انسانی گرانبها شده، و خانه دلخواهش را برای فرزندان و همسر مهیا و آماده نماید. همچنان اسلام به همه امور زن

رسیدگی نموده وی را از رعایت و احترام تام برخوردار ساخته است و مرد را در این راستا به تعامل نیک ترغیب و تشویق نموده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ [النساء: ۱۹]. «و با زنان به وجه پسندیده زندگانی کنید». و پیامبر ﷺ فرموده‌اند: (بهترین شما کسی است که با خانواده خود رویه نیک دارد) (روایت ترمذی). و همچنان فرموده‌اند: (خواهان رفتار نیک با زنان شوید) (روایت مسلم). چنانکه فرزندان را نیز به احترام و توقیر مادر ترغیب نموده، آنحضرت ﷺ در جواب مردی که پرسید: چه کسی مستحق‌تر به صحبت من است. فرمودند: مادرت) (روایت مسلم).

۲- دین اسلام مرد و زن مسلمان را برکار و عمل تشویق و ترغیب نموده است، البته با مفهوم شرعی آن نه بر اساس مفهوم نادرستی که از بیرون بر مسلمانان وارد شده است، مرد مکلف به برآورده ساختن احتیاجات و ضروریات خانواده و بنای جامعه است، و زن نیز به نوبت خود به امور منزل و ساختن زیربنای جامعه که عبارت از خانواده است مکلف می‌باشد. چون موضوع مهم است می‌خواهیم در مورد برداشت نادرستی که در موردکار و وظیفه زن و بیرون رفتن وی از خانه، میان بسیاری از مردم شایع گردیده، توضیحی دهیم، زیرا زن را مشخص به وظایفی گردانیده‌اند که در اصطلاح فقها بنام (مزدور خصوصی)، یا (گیرنده مزد در بدل کار)، یا، (کارهای که زن آن را زیر دست مردی، مانند مزدروی، در مقابل مزدی انجام می‌دهد، که تنها رابطه مادی آنان را با هم یکجا نموده است) و وظایفی را که زن در خانه انجام می‌دهد مانند: تربیه فرزندان و یا فرمانبرداری و آراسته ساختن برای شوهر، و رسیده‌گی و رعایت والدین و غیره را کار و وظیفه نمی‌شمارند، چنانکه غالباً زن بی‌وظیفه را عقب افتاده و

نابکاره شمرده، و نشستن وی را در منزل عیب دانسته‌اند. و اشتراک نکردن وی در وظایف و کارهای بازاری را، بیکار و تعطیل شدن نیم افراد جامعه تلقی نموده‌اند، که این نظریه‌ای نادرست در اذهان بسیاری از مردم - چه عامه و یا روشنفکران - بجز برخی از مردمی که خداوند عز و جل بر آنها رحم نموده، تأثیر گذاشته است، تا جایی که هوش و فکر، و انتخاب دلخواه زنان امروزی این شده که باید بخاطر کار و وظیفه از منزل بیرون روند، و إلا نشستن آنها در منزل بی‌کاری محسوب می‌شود!

لیکن رأی درست اینست که یکی از این دو راه را انتخاب نماید، اینکه مزدور و اجیر در نزد دیگران باشند، و یا اینکه وظیفه‌آسایی و حقیقی خویش را در منزل بطور آزاد و مستقل انجام دهند.

خللی که در این نظریه وجود دارد اینست که زن را ملزم و ناگزیر می‌سازد تا بر نفس خود و خانواده و جامعه فشار آورده، و وظیفه‌آزاد در منزل را به مزدوری دیگران در خارج منزل انتقال دهد، که این عمل در ذات خود، وی را وادار به ظلم در حق خودش، و تقصیر در حق همسر و فرزندان، و در تنگنا قرار دادن مردان در ایجاد وظیفه‌مناسب می‌باشد. چنانکه این نظریه سبب افزایش بی‌کاری در جامعه، و بروز نتایج منفی بزرگی، مانند نا امنی، ضعف اقتصاد ملی، ازدیاد مشکلات اخلاقی، و کاهش فرصت ازدواج، و افزایش زنان بی‌شوهر و سالخورده می‌شود، که این تحول بنیادی در وظیفه‌زن جز هدف فریبنده و خیالی و آفت را محقق نمی‌سازد، قابل یادآوریست که تحقیقات و پژوهش‌های اقتصادی که در یکی از گزارش‌های مفصلی سازمان ملل متحد در اوایل دهه هشتاد میلادی صورت گرفت - که تاحال رد و تکذیب هم نشده - این بود که بیرون رفتن زن از منزل بخاطر وظیفه و کار اجیرانه، ۴۰٪ هزینه ملی کشور خود را برداشت

می‌نمایند، که این امر مخالف با تبلیغات و رونق‌نمایی‌های است که در راه بیرون آمدن زن از خانه بخاطر اجیرکاری جریان دارد، گویا که اقتصاد ملی و محصولات محلی را کمک و رشد می‌دهد! چنانکه همین گزارش در ماده دیگری می‌افزاید: (اگر زنان جهان در مقابل سرپرستی خانواده و برپا داشتن کارهای منزل، مزدی بدست آورند، به اندازه نصف هزینه ملی هرکشوری خواهد رسید).

هرگاه زن بر این گمان بوده و اصرار ورزد که وی باید اجیرکار و مزدور دیگران باشد، پس کارهای شایسته و موافق با طبیعت وی امریست که نیازمندی‌های اجتماعی حقیقی، نه خیالی، به آن ضرورت داشته و گاهی هم نیازمندی‌های شخصی نیز وی را به آن وا می‌دارد، البته همچو حالات از نظر شریعت جایز بوده، ما دامیکه مطابق و موازی با ضوابط و مقررات شرعی، و بدون وسعت دادن دامنه آن صورت گیرد.

پس وجود نیازمندی‌های اجتماعی و شخصی که گاهی به کار و وظیفه زن نیازی پیدا کند، به این معنا نیست که فرصت کار و وظیفه را برای مرد تنگ نموده و رقابت را آغاز نماید، و یا اینکه در حوزه کار و شغل اساسی خویش سهل‌انگاری و یا کوتاهی نماید، و این مقام را فرصت مناسبی می‌بینیم تا جامعه و سازمانهای دولتی را متوجه مسئولیت‌شان ساخته، و در این راستا کوشش جدی به خرج دهند تا نیاز به کار و عمل زن در خارج از منزل را از میان بردارند، و یا حداقل آن را کاهش دهند، و بلاخره تأثیرات منفی آن را فرو نشانند، زیرا معامله و رفتار با زنان کاملاً مانند مردان در وظایف، و ساعات کار و مناطقی که وظیفه اجراء می‌نمایند، و مدت و نوعیت و سال‌های تقاعد آنان و غیره، بدون اینکه وظیفه اساسی زن در بنای خانواده، و طبیعت و سرشت بشری وی مد نظر گرفته شود، ظلمی آشکاری بوده است، چنانکه تأکید بر آن می‌نماییم که جامعه و دولت مسولیت علاج

فقر که یگانه سبب بروز مشکلات مختلفی که بویژه زنان در جامعه مسلمانان از آن شکایت دارند، حل گردد، زیرا فقر و تنگدستی اکثراً زن را وادار به انجام وظایف نامناسب و غیر موافق با طبیعت آنان می‌گرداند.

۳- خاطر نشان باید ساخت که مکانیزم و روشهای تعلیمی طرح شده در کشورهای اسلامی، نیاز به تجدید نظر و اقدامات جدی در این راه دارد، تا عزت و کرامت شرعی زن دوباره بوی برگردانیده شده، و وی را آماده سازد تا کار و وظایف مناسب و موافق به طبیعت خویش را بصورت درست انجام دهد، وظایفی که کسی دیگر نمی‌تواند جای وی را بگیرد، پیشنهاد ما در مورد تجدید نظر در نقشه و روش تعلیم زنان در کشورهای اسلامی بمنظور بر آورده شدن اهداف بنیادی این است که:

۱- زنی را تربیت نموده و به جامعه تقدیم نماییم، که پروردگار خویش را بصورت درست عبادت نماید.

۲- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم، که فرمانبردار واقعی شوهرش باشد.

۳- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم که قادر به تربیت و پرورش درست فرزندان خود باشد.

۴- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم که بتواند خانه خود را بشکل خوب و منظم اداره نماید.

۵- زنی را تربیت و تقدیم به جامعه نماییم، که در راه آبادی و بازسازی جامعه خود، در اموری که بوی تعلق می‌گیرد، سهم فعالی داشته باشد. بدون تردید خللی بزرگی که در روش تعلیمی زن بنظر می‌خورد اینست که، منهج تعلیمی زن و مرد باهم یکسان است البته بگونه‌ای که وی را آماده به وظایفی می‌سازد که مرد نیز در آن راستا

علم و دانش می‌آموزد، زیرا طرح و نقشهٔ تعلیمی برای هردو جنس پی‌ریزی شده، و هردو تحصیل یک دانش را در همه مراحل آموزشی طی می‌کنند که این خود تجاوز بر حق زن بوده و از کرامت و منزلت وی می‌کاهد، چنانکه وقایعی بسیاری در این عصر رخ می‌دهد که اکثراً ارتباط مستقیم به این خلل دارد، مانند وجود زن‌های بی‌شوهر، واقع شدن طلاق، ناامیدی و شکست روحی، بسا مشکلات خانوادگی دیگر. از اینرو بر افراد جامعه بویژه پیشگامان امت و اهل رأی و نظر، لازم است تا در مقابل هرگونه کوششها و تصامیم و یا تبلیغاتی که بخاطر یکجا بودن ذکور و اناث در مراکز تعلیمی و طبق برنامه تعلیمی واحد چه در اهداف و مقاصد، و یا در طرز و طرح آن صورت می‌گیرد، ایستاده‌گی نموده و از آن جلوگیری نمایند، تا از مقاصد والای شریعت اسلامی که مصالحی بی‌شماری را تأمین و محقق می‌سازد، حمایت و حفاظت شده، و همزمان مفاسد مترقبه دفع و یا کاهش یابد روی هم‌رفته زندگی شرافت‌مندانه‌ای که کرامت و حقوق افراد جامعه در آن مصون و محفوظ باشد ایجاد گردد، همچنان نتایج مثبتی که از جدایی تعلیم دو جنس، و مفاسد یکجا بودن آندو، از لابلای تجارب و وقایع بدست آمده است، ثابت و محقق گردیده تا مصداق تعالیم اسلام برای منکران و مخالفان آن روشن و هویدا گردد.

۶- جامعهٔ مسلمانان این مسؤولیت را بدوش دارد تا ظلم و بی‌دادگری را از همه افراد خویش برطرف نموده، فرمان الهی را در مورد تحریم ظلم میان بندگان عملی نمایند، چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آنچه از پروردگارش نقل می‌کند، روایت شده است که خداوند جل جلاله فرمود: «ای بندگان من ظلم و ستم را برخویش حرام کردم و نیز در میان

شما آن را حرام ساختم، پس به یکدیگر ظلم و ستم نکنید» (روایت مسلم). و از زشت‌ترین ظلمی که میان بندگان رخ می‌دهد، ظلم بر زنان می‌باشد، پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «پروردگارا! من گناه کار می‌دانم کسی را که حق دو ضعیف، زن و یتیم را پایمال کند» (روایت نسایی). یعنی از این کار زشت سخت ممانعت می‌کنم، متأسفانه ظلم بر زن چه مادر و یا همسر و یا دختر اشکال گوناگونی را بخود گرفته، مانند محروم شدن وی از حقوق مسلمش، توهین به کرامت وی، بی‌حرمتی در معاشرت با وی، و بهره‌برداری نادرست از اینکه ضعیف و ناتوان است، که همه نتایج ناگوار بسبب ضعف و کاهش در تعالیم دینی میان مسلمانان و بروز وسایل و موارد بداخلاقی، که این‌همه دگرگونی‌ها حاصل و ثمرهٔ دوری از راه و روشی که خداوند عَلَيْهِ السَّلَام آنرا وضع نموده می‌باشد، چنانکه مسلط شدن بعضی از رسم و رواج‌های غربی در جوامع مسلمانان که در نتیجهٔ پذیرش و تقلید از راه و روش و رسم و رواج زندگی آنان که در کشورهای اسلامی تراوش نموده است، بوده و آثار و مظاهر آن به چشم می‌خورد، مانند پدیدهٔ خشونت خانوادگی، و تحریک مسایل جنسی و خیانت میان زن و شوهر، و اضافه از آن ظلم و بی‌عدالتی میان همسران، و یا تنگی و تندی برآنان، و یا خوردن مال آنها به ناحق، و یا تقصیر و کوتاهی در برآورده نمودن نفقهٔ آنان، و یا پایمال نمودن حقوق و کرامت زنان در وقت طلاق، همچنان ظلم و ستمی که بعضی از پدران در مورد ازدواج دختران جبراً بر آنها روا می‌دارند و یا هم در مورد تربیت و آموزش آنها توجهی نمی‌نمایند، و یا تفاوت و فرق‌گذاری در تعامل و مصرف میان دختران و پسران، و یا انتخاب

شوهر نامناسب به آنان، و یا تأخیر در ازدواج آنها و غیره اشکال و انواع ظلم و ستمی که شریعت غرا آن را مردود می‌شمارد، همه از فرهنگ و راه و روش غرب الهام گرفته شده که سبب این هرج و مرج و دگرگونی‌ها و ظلم و تلف حقوق زن‌ها در جوامع مسلمانان گردیده است. پس رفع همچو ظلم و ستم و کاهش آن تا حد امکان مسئولیت و وجوبه شرعی است که باید در راه اصلاح آن اقدامات جدی و عملی صورت گیرد، و حتی فرصت برای اقدامات قانونی و قضایی برضد آن داده شود و زمینه بخاطر از بین بردن آن هموارگردد، و یا اینکه بعد از بوقوع پیوستن آن حداقل حل و فصل مناسب طبق مقررات شرعی صورت گیرد، و لازم می‌بینیم که باید برای وقایه از این گونه حوادث و اوضاع دردآور، برنامه‌های تربیتی و آموزشی اسلامی و فرهنگی پی‌ریزی شده به افراد جامعه تعلیم داده شود تا از مقررات شرعی و احکام آن آگاهی پیدا کرده و آشنایی کامل به حقوق و واجبات شرعی حاصل نمایند و حق خود و حق غیر را طوریکه لازم است بشناسند. این یگانه وسیله‌ای وقایویی است که می‌توان از تأثیرات و نظریات ناگوار غربی و شرقی کاست، و تقلید کورکورانه از فرهنگ‌های غربی مخالف با شریعت و ارزش‌های والای اسلام را از بین برد.

۷- همچنان جهانی شدن زندگی اجتماعی و حیات زن از دیدگاه مادی‌گرای غربی و آزادی در سرمایه، تجاوز واضحی بر حقوق زن در همه جهان، بویژه در کشورهای اسلامی بوده است که عبارتند از:

الف- آنچه در جهت وضع قوانینی که جهانی شدن آن را می‌خواهند تعلق می‌گیرد، به گونه‌ای که بر اساس فرهنگ میراثی و یک‌جانبه و تحت نفوذ یک جهت، و کشمکش‌های حقوقی تاریخی بنا نهاده شده که مربوط به یک

منطقه محدود روی زمین بوده، و هیچ گونه مشابهت فرهنگی و قانونی با اغلب مناطق جهان ندارد.

ب- جهانی شدن قوانین بر اساس مادی‌گرایی و نظام سرمایه داری و بر اساس منفعت بنا نهاده شده است که منافع مادی نسبت به همه چیز اعم از اخلاق و ارزش‌های محدود و مقید، حتی از ضوابط وضع شده بخاطر این منافع، مقدم دانسته شده است.

ت- آنچه در مورد رویدادهای زندگی متعلق به زن، و حالت وی در غرب ارتباط می‌گیرد، که از طریق رسانه‌های خبری و شاهدان عینی، و یا با اطلاع یافتن بر احصایه‌ها و تحقیقات و گزارشها بر ملا می‌گردد. همچو رویدادهای اجتماعی بد و ناگوار، پرده را از چهره حقیقی مبلغان و داعیان جهانی شدن قوانین بر می‌دارد، هرچند آنها سعی می‌کنند که آن را با طرق رنگارنگ دروغین اطلاعاتی، و درخشندگی گیرای حقوق سالاری ساختگی، پوشش داده به جهانیان نشان می‌دهند. مگر نمی‌دانند که آفتاب را به دو انگشت نمی‌توان پوشید. در حالیکه خشونت‌های خانواده‌گی، غصب و تجاوز جنسی حتی به سطح شخصیت‌های برجسته سیاسی و دینی آنها رو به افزایش است. از یکسو فشار و اجبار کار بر زن در کشورهای غربی روز افزون بوده تا لقمه نانی را خود بدست آرد، و از سوی دیگر پدیده‌ای که بیشتر رو به افزایش است وجود کودکانی که اصلاً بی‌سرپرست هستند و یا اینکه سرپرست آنها یک نفر است - که از راه آمیزش یک مرد با چند زنی دنیا آمده‌اند- با این حال تناسب از هم پاشیدن خانواده‌ها نیز گریبانگیر آنان گردیده، و مجتمعات غربی را تهدید می‌کند، تا بلاخره مجبور شده‌اند بخاطر جلوگیری از نابودی خانواده بطور کلی، متوسل به تصویب قانون اجتماعی جدیدی شوند، تا مفهوم خانواده و لو بطور شکلی بحالش برگردد، این قانون شامل چند ماده است از جمله: دو شریک می‌توانند بدون عقد نکاح،

تازمانیکه خواسته باشند باهم زندگی نمایند، هرچند اگر از یک جنس هم باشند، از این رو مفهوم ازدواج هم‌نوع اجتماعی شیوع و افزایش یافته است بطور مثال، در متن گزارش سالانه انستیتوت تحقیقات جمعیت شماری فرانسه که به پارلمان آن کشور پیشکش شده است در متن آن چنین آمده است: (کشور فرانسه در مرتبه چهارم بعد از فنلند و ناروی و سویدن قرارداد که در این کشورها عقد نکاح رو به کاهش بوده، فرصت را برای روابط آزاد و بدون عقد نکاح باز کرده است، که سالانه (۴۵۰) هزار از این گونه روابط نامشروع که آن را ازدواج می‌نامند، بوقوع می‌پیوندد، چنانکه معاشرت و آمیزش همیشه و مستمر، بدون عقد نکاح میان هم‌جنسان، مرد با مرد، و زن با زن، صورت می‌گیرد که سالانه (۳۰,۰۰۰) از این گونه روابط میان هم‌جنسان واقع می‌گردد).

۸- همچنان گرایش دوگانه و پیچیدگی در قانون و مصادر توجیهی اجتماعی و اخلاقی، جوامع مسلمانان را در فتنه‌ها و گمراهی قرار می‌دهد، و هویت و شخصیت اجتماعی و فرهنگی آنان را مشکوک ساخته، و راه را بر آنان مبهم و تاریک می‌گرداند، و مردم را از نور فروزان اسلام محروم گردانیده، و آنها را در سرگردانی فکری و گمراهی قرار داده همه امور را به بن‌بست مواجه می‌سازد. چنانکه می‌دانیم که یک جامعه متشکل از حلقه‌های پیوسته مردم می‌باشد که برپایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی بنا نهاده شده، و ایجاد هرگونه خللی در یکی از این پایه‌ها، تأثیر بدی بر دیگر پایه‌ها خواهد گذاشت، و این خود سبب می‌شود تا در مورد اصلاح هرگونه خللی باید دید و نظر شامل داشت، بدین ملحوظ هم آهنگی و پیوستگی قانونی هرپایه آن باید بر اساس فرامین الهی که امور را در نصاب و جایگاه درستش قرار می‌دهد، بنا گذاشته شود، چنانکه

خداوند ﷻ می فرماید: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ [فصلت: ۴۲].

«باطل از پیش روی آن و از پشت سر آن در آن راه نمی یابد، فرو فرستاده ای از سوی الله (ﷻ) با حکمت ستوده است.»

لذا باید قوانین و مقررات لادینی سکولرستی از جوامع مسلمانان برچیده شود، و به بشریت نمونه های عملی و واقعی حقوق و کرامت انسانی که اسلام به آن تأکید می ورزد، ارایه گردد. و به زن فضای آزاد فراهم گردد تا از عدل و داد شریعت، و تجلیل و احترامی که آیین اسلام به آنان قایل است، بهره مند شده، و جلو هرگونه حماقت و آشفتگی که بر زن های پابند در دین و ارزش هایش صدمه وارد می کند، گرفته شود تا بتوانند در مراکز تعلیمی در فضای آرام به تعلیم خود ادامه بدهند و در آینده مصدر خدمت به جامعه اسلامی و هکذا قادر به تشکیل خانواده با عفت و سالم باشند.

سفارش‌ها و درخواست‌ها

۱- مسؤولیت امت و جوامع مسلمانان

الف: احتراز و با حذر داشتن از متلاشی و منحل شدن شریعت و قانون الهی، چه بطور کلی یا جزوی، و یا بازی کردن با اخلاق و ارزش‌های جامعه مسلمانان، زیرا اینکار نه تنها شکست فرهنگی و معنوی بوده، بلکه منجر به مقهور شدن و تسلیم شدن به دشمنان گردیده و سلطان سیطره آنان را بر امت اسلامی تقویت می‌بخشد.

و اگر همچو فروتنی در مقابل دشمنان صورت گیرد، پس منتظر عقوبت الهی در دنیا و آخرت باید بود، خداوند عز و جل می‌فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].
«پس کسانی که از فرمان او تمرد می‌کنند، باید بر حذر باشند از آن فتنه‌ای به ایشان رسد یا به عذابی دردناکی گرفتار شوند».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند عز و جل غیرت می‌کند (خشمناک می‌شود)، و غیرت خداوند در آن وقت است که شخص محرمات خدا را انجام دهد» (متفق علیه).

ب- حمایت و حفاظت از اخلاق و عفت افراد جامعه، که باید مراجع تعلیمی و وظیفوی در این راستا توجه جدی بخرج دهند. و از وسایل اطلاعاتی و فرهنگی و ترفیهی و غیره در راه حفظ و نگهداشت ارزش‌های اخلاقی محیط مسلمانان توجه نموده و گام‌های مؤثری در این راه بردارند، و از مختلط شدن تعلیم، میان ذکور و اناث و همچنان در ساحات کار جلوگیری به عمل آید، زیرا همچو وقایه از مهمترین وسایل حفظ و حمایت

عفت و پاکی و اخلاقیات جامعه بشمار می‌رود، و این خود مقاومت و ایستادگی و در عین حال ضربه قویی بر دشمنان بوده و باعث خنثی نمودن همه مکیاد و توطئه‌های آنها که بر ضد عفت و حجاب و بلاخره ناموس مسلمانان برراه انداخته‌اند، می‌شود، این شاءالله. چون همه دشمنان در پیمان سرنگونی و ریشه‌کن نمودن همه اشکال فرق گذاری و تفاوت میان زن و مرد با حمایت و سردمداری سازمان ملل متحد، و با ترکیب و قیافه غربی، جبهه‌ای مشترکی را تشکیل داده و جنگ قویی را علیه این مبداء گوارا که از جانب خالق بشر تصویب و نازل گردیده، آغاز نموده‌اند. و خواستار مختلط ساختن زن و مرد در همه عرصه‌های زندگی هستند و برای تحقیق این هدف شوم‌شان از هرگونه وسائل شیطانی استفاده می‌کنند، پس باید جوامع اسلامی بیدار شوند و در پذیرش و افتتاح مؤسسه‌های غربی محتاط باشند و همه جوانب آن را قبلاً مد نظر بگیرند و یک حد و خط عدم تجاوز را در فعالیت‌های آنان تعیین کنند، زیرا مؤسسات و مراکز اطلاعاتی و تعلیمی و نمایندگی‌های سیاحتی و تفریحی و فرهنگی که در کشورهای اسلامی به کثرت سرمایه گذاری کرده‌اند، صرف بخاطر بهبود روابط اقتصادی و یا سیاسی و کمک و همکاری نبوده بلکه فعالیت‌های آنان با مقاصد، اهداف، فرهنگ و اخلاق اسلامی کاملاً در تضاد واقع شده و خطر بزرگی محسوب می‌شوند که ارزش‌های امت مسلمه را تهدید می‌کند. و فعلاً که آنها کشورهای اسلامی را هدف قرار داده‌اند، نیاز به ایستادن و برخاستن همه مردمان مخلص به دین، از جمله علما، دانشمندان، اندیشمندان، متخصصان علمی، مردمان برجسته، تجار و بلاخره عامه مردم دارد که دوشادوش هم، صاحبان این برنامه‌ها را اصلاح نموده به راه راست و حق برگردانده، و زن مرد و همه افراد جامعه را از شر آنان نجات دهند.

ج- بر والیان امور مسلمانان واجب است تا دست نادانان و هوس‌رانا و شهوت‌پرستانی که در ساحات تعلیمی و یا فرهنگی و یا اطلاعاتی و غیره وظیفه انجام می‌دهند، کوتاه ساخته، و نگذارند تا حقوق شرعی زنان مؤمن پایمال گردد، همچنان آنانیکه محافل فحشا را طرح ریزی نموده و آن را برپا نموده و انتشار می‌دهند و از اینراه لکهٔ بدنامی را به جوامع اسلامی و ارزش‌ها و آداب آن وارد می‌کنند و حیثیت و شرف و آبروی همه را می‌ریزانند تا بتوانند با داران خود را راضی کنند، بی‌خبر از آنکه خود ایشان به حرام تغذیه شده و مؤسسین پستی و رذالت و فرومایه‌گی و دیوئی در جامعه به حساب می‌روند. طبعاً بیشترشان به سبب جهل و نادانی و یا به سبب فریب خوردن آنها بوده که نه از ارزش‌های دین اسلام باخبرند و نه تا الحال معیار و مقیاس ترقی و تمدن حقیقی را درک توانسته‌اند، پس باید جلو همچو اشخاص گرفته شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «حتما از دست ظالم بگیرید و وی را بسوی حق برگردانید». (روایت ابوداود).

د- علماء و دانشمندان و مصلحان جامعه باید در زمینهٔ وجیبه دینی، مسئولیت شرعی خود را در قبال جامعه فراموش نکنند و مردم را به خیرخواهی دعوت کنند و از کارهای ناپسندیده وا دارند و هر تحریکی را که از هر جانب مشاهده می‌کنند ولو که به جهات دیپلوماتیک هم ربطی داشته باشد و یا اینکه کوچک بنظر بخورد در هر حالت آن را نادیده نگرفته در مقابل آن بی‌تفاوت نمانند بلکه برضد آن عکس‌العمل جدی از خود نشان بدهند و عواقب همه فعالیت‌های مغرضین را به آگاهی مردم برسانند چون واجبات و ضروریات شرعی و حفظ اساسات و شعائر دین از هر چیز مقدم تر است. و به تأکید که در اینگونه حالات ایستادگی و حق را بیان کردن از شیوه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابهٔ کرام و علمای سلف صالح این امت است که

باید علمای امروز به آنها اقتدا کنند. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]. «و باید از شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و بکار پسندیده امر، و از کار ناپسند منع کنند و آن گروه ایشانند رستگاران».

و- تأکید بر اینکه پنهان نمودن علم خطر بزرگی است، بویژه هنگامیکه در بیان و توضیح آن در وقت ضرورت تأخیر صورت گیرد، خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لُبِّيْنْتُهُمْ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾ [آل عمران: ۷۵].

«و یاد کن هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده [یهود و نصاری] پیمان گرفت، که حتماً باید آن را برای مردم بیان نمایند و کتمانش نکنید، پس آن عهد را پشت سر خود انداختند و آن را به بهای ناچیز فروختند، چه بد است آنچه خریدند». خصوصاً هنگامیکه با مبادی دینی و اخلاقی و حقوقی برخوردی صورت گیرد، و خطرناکتر از این، توجیه نمودن تصامیم و مقرراتی که با ارزش‌های اجتماعی و شرعی مغایر است، چه این توجیه از روی رغبت باشد و یا از روی بیم و ترس، و یا اینکه توجیه آن بمنظور مصلحت خیالی و بی‌اساسی که مخالف با نصوص و قواعد شرعی است باشد.

ی- امت باید آگاه باشد بر اینکه ارزش و قیمت فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی و حقوقی که بر کشورهای غربی حکم فرماست، بسیار ناچیز بوده با وجود آنهم می‌خواهند بازور و جبر دولت‌های غربی آن را بر جهان نافذ و

پخش نمایند، که نه تنها سازگار با سرشت پاک انسانی و قوانین و مقررات درست و صحیح نیست، بلکه اصلاً بر اساس معیارهای فرهنگی میراثی بنا گذاشته شده که پشتیبانی از فرهنگ مخترعان آن نموده، و با فطرت سلیم در بسیاری از احوال در تضاد است. که این خود ایجاب می‌کند تا در مورد اهلیت و جهانی بودن مبادی حقوقی آن، و صحه گذاشتن بر اینکه کلیه حقوق بر اساس آن پایه گذاری شود، تجدید نظر صورت گیرد، و ما بر اهمیت این تجدیدنظر در مورد حقوق انسان، در پرتو فطرت سلیم و عقل درست و سالم، و فرامین درست و دقیق و بجایی که همه دیانت‌های آسمانی بر آن اتفاق نظر دارند، تأکید می‌نماییم، و مطمئنیم که این همه اوصاف جز در مبادی حقوقی آیین اسلام، در دیگر آیینی پیدا نیست، که جای گزین بهتر و کاملتری، که بتواند از ارزش جهانی برخوردار بوده، و معیار و مقیاس کاملی در مورد سرنوشت حقوق انسان را دارا باشد.

مسئولیت زن مسلمان

أ- بر زن مسلمان لازم و واجب است تا در پایبندی خویش به دستورهای شریعت مطهر، با وجود فشارهای خصمانه دشمن کوتاهی ننماید، و آنچه در این راستا بوی تعلق می‌گیرد اینست که، باید پایبندی تام به حجاب شرعی داشته باشد بگونه‌ای که آن را فریضة دینی دانسته و به آن افتخار نموده و یقین کامل داشته باشد که خداوند عز و جل در برابر این عبادت، وی را پاداشی بزرگ خواهد داد، و اینرا درک کند که حجاب و در پرده بودن زن مسلمان، بخاطر خشنودی پروردگار مهربان، و حفظ عزت و کرامت وی، و زدودن توهین و تحقیر از اوست.

بدون تردید پایبندی زن‌های با عفت و پاکدامن به حجاب شان، مطابق مقررات و احکام شرعی، و سفارش نمودن سایر زنان به آن، از مهمترین

وسایلی است که جامعه را از رذایل و پلیدی‌ها محفوظ نگه داشته، و در مقابل دشمنان نشسته در کمین، و متجاوز بر منافع و مصالح دنیوی و اخروی ما مقاومت می‌نماید، چنانکه پایبندی و چنگ زدن زن مسلمان به حجابش، جهادی بزرگی - نظر به توانش - حساب می‌شود، خصوصاً در سایه جنگ شعله‌وری که امروز دشمن علیه این اصل شرعی آن را افروخته است.

ب- این یک ضرورت اجتماعی است که زن به مسئولیت‌های اجتماعی خود پی برده، طبق مقررات شرعی، نقش اصلی و حقیقی خود را در جامعه ادا کند. زن مسلمان باید در برداشت مسئولیت اجتماعی خویش سهم فعالی گرفته و نقش ارزنده و حقیقی که در جامعه دارد، از لابلای بندگی واقعی‌اش به خداوند جل جلاله به اجرا در آورد، که از جمله نمای اجتماعی آن، تربیت و پرورش درست فرزندان، سرپرستی شایسته خانواده، و مستقر بودن وی در منزلش است - مگر اینکه بخاطر ضرورتی بیرون آید -، و حیا و حشمت و ظرافت ادبی شرعی، و حفظ عزت و کرامت و آبروی خویش را مد نظر گرفته بخاطر ضرورتی که از محل اقامت خود خارج شده، آن را رفع نموده واپس بخانه برگردد و همیشه کوشا باشد تا عفت و پاکیزگی را در جامعه و میان سایر زنان انتشار بدهد و آنانرا از لغزش در شر و فساد برحذر نماید، و زنان ثروتمند را از حقوق خداوند و محاسبه الله جل جلاله با آنان آگاه ساخته - با آنکه نفقه آنان بردوش شوهرانشان است - تا مبادا مال و دارایی خویش را در راه باطل و یا امور بی‌ارزش، و یا اسراف در وسایلی که قابل خرید نبوده، آن هم بخاطر رقابت و یا مودپرستی تلف نمایند، بلکه در راه‌های خیر و احسان به مردم، و هرآنچه سبب خشنودی خداوند متعال می‌گردد، بمصرف برسانند. و در خاتمه چیزی مهمی که باید تذکر یابد اینست که باید در ناحیه آموزش زنان توجه جدی صورت گیرد - البته بعد از بررسی علمی - که به خواست و اراده خداوند، بدینوسیله حرکت بیداری

حقیقی زن در جامعه‌های مسلمانان سرعت پایدار و برقرار خواهد شد، و تضمین‌کننده حقوق مسلم وی که خداوند دانا و آگاه بر همه چیز، و قدرتمند و با حکمت، به آنها عطا فرموده خواهد بود، و در راه پیشرفت و انکشاف جامعه نقش فعال و مثبتی واقعی خواهد داشت، بدون طی نمودن مراحل فجیعی که زنان غرب از آن می‌گذرند، و جامعه را به سرشت و خیمی دچار می‌کنند. زنان مسلمان با عملی نمودن ارشادات الهی و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمونه از عدل و انصاف برای کسانی خواهد بودند که خواستار خیراندیشی و صلاح برای زنان جهان اند. بدیهی است که این قضیه به نقشه کشی، و پیمودن مراحل پی در پی، و انجمن و سازمان‌ها، و برنامه و طرح ریزی متعددی نیاز دارد تا در ایجاد قانون و مقررات مربوط به زنان و تنفیذ آن اقدام صورت گیرد، تا باشد که این سند شرعی در راه تحکیم بخشیدن یکی از پایه‌های آن نقش اساسی داشته باشد، لذا برداشتمندان شرعی لازم است تا همگام با اهل اختصاص در زمینه‌های اجتماعی، و اقتصادی و تربیوی و غیره گردهم آمده بر ترکیب و ساختار روشی سالمی مربوط به مسایل زن، چون آموزش، کار، سرگرمی و تفریح و غیره به نتیجه مثبتی رسیده و بخاطر تعیین برنامه‌های عملی و محقق ساختن این ساختار و ترکیب‌ها که از احکام شریعت سرچشمه گرفته باشد اقدام نمایند، پس مقرر نمودن طرز عمل‌های واقعی بمنظور تنفیذ این برنامه‌ها باید بر دو اساس پایه گذاری شود:

اول: بر اساس مدارک و دلایل شرعی از جمله عقاید و احکام و مقاصد شریعت پایه گذاری گردد.

دوم: هم‌آهنگی واقعی با مسایل نو و تازه زندگی داشته باشد. تا حمایت درست و سلیم از جامعه مسلمانان تحقق یافته و راه‌های سودمندی باز گردد تا مردم از زندگی آرام و مرفه واقعی برخوردارگردند، چنانکه

بر دانشمندان و متخصصان لازم است که همچو مسایل و امور خطرناک را بدست کسانی نگذارند که از دین خدا و مقاصد شریعت و احکام آن آگاهی ندارند و یا آن‌عه مردمانی که شکست فرهنگی و معنوی خورده‌اند، و نباید آن را تسلیم رویدادهایی امروزی نمایند و نباید بر اساس آن راه‌های حل مقرر و تعیین گردد که احتمال عدم موافقت با مصالح شرعی، که ضامن خیراندیشی و خیرخواهی مردم است داشته باشد. همچنان باید این برنامه‌ها و ساختار آن حاصل علم شرعی درست، و دور از هرگونه اندیشه و تصورهای خیالی و وهمی بوده پیش آمدهای حیاتی درخور تغییر را، چه در موقع مناسب و یا دشواری‌ها مد نظر گرفته باشد، و از پیشکش نمودن برنامه‌های نمایشی که تطبیق آن در زندگی روزمره دشوار و سنگین تمام شده، و مردم را به بیراهه می‌کشاند، اجتناب صورت گیرد، چنانکه نباید تابع رویدادهای بی‌ثبات گردیده و آن را با اهداف و مقاصد و احکام شریعت همدوش و در جریان قرار دهد، از اینرو لازم است که شتاب در فراهم نمودن دیدار و مجالس در این باره میان علمای شریعت اسلامی و متخصصان مخلص و دلسوز انجام یابد، تا در روند اصلاح جامعه و سازماندهی درست، و در موارد اقتصادی و تربیوی که بی‌نهایت مهم و پر اهمیت است، بحث و مناقشه صورت گیرد، تا به این وجیبه شرعی که گنجایش تاخیر و تعویق را ندارد، اقدام عملی به عمل آید. نکته مهم اینست که باید به کیفیت و آیین مردم‌داری و آشنایی با وضع زندگی آنان آگاهی داشت - بدون اینکه خیر و شر و یا تضادم آنان با مفکوره و اعتقاد مردم را در نظر گرفت - زیرا امکان دارد با مرور زمان وضع دگرگون گشته و ارزشی را کسب نماید که از جمله تقاضاهای اساسی جامعه شمرده شود و مردم را بسوی خود فرا خواند، و اینکه چه نتایجی از آن بار می‌آید، مسأله جدایی است، آنگاه نه تنها رهنمایی دشوار خواهد بود بلکه مقابله با آن و تغییر جهت دادن نیز کاری مشکلی

خواهد شد. و در خاتمه این وثیقه نامه از مژده‌ای شما را باخبر می‌سازم که تصمیم و عزم شما را راسخ‌تر و قاطع‌تر ساخته ان شاءالله سبب آماده‌گی هرچه بیشتر و مزید تان می‌گردد و آن اینکه دین اسلام در پخش و انتشار میان اقشار و توده‌های جهانی نسبت به همه ادیان سریع‌تر بوده - والحمدلله والمنة - کسانی که مشرف به آیین اسلام می‌شوند بیشتر آنها از کشورهای غربی بویژه زنان آنهاست، که با وجود حملات شدید و پیهمی که بمنظور بدنام نمودن اسلام، و زشت جلوه دادن وضع زن در جوامع اسلامی انجام می‌پذیرد علی الرغم آن همه، به ندای اسلام لبیک گفته و به این دین مقدس مشرف می‌شوند و خداوند متعال شرف ایمان را به آنها عطا می‌فرماید و آنها را از این همه رنج و عذاب و زندگی پرمشقت و رقتبار غرب، که سال‌ها در زیر سایه قوانین و مبادی ساخت بشر که از هدایات و رهنمودهای ارزشمند اسلام بسیار بدوراست زندگی بسر می‌برند، رهایی بخشیده و از آزادی و کرامت حقیقی که زیرسایه شریعت و آیین اسلام که از جانب پروردگار جهانیان برای بشریت مقرر شده، احساس تشنگی آن را می‌کردند برخوردار گرداند.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.